

افول امپراتوری آمریکا

زمزمه‌هایی از یک امپراتوری در حال محو شدن در سراسر جهان به گوش می‌رسد - آیا ایالات متحده، که زمانی غول بی‌رقیب قدرت بود، در حال از دست دادن تسلط خود است؟ تا سال ۲۰۲۵، تغییرات فناوری، ناکامی‌های ژئوپلیتیکی و تنش‌های داخلی نشان‌دهنده پایان یک دوره است که پایه‌های سلطه آمریکا را به چالش می‌کشد. ظهور جنگ نامتقارن، تجدید حیات قدرت‌های رقیب و فروپاشی پایه داخلی، تصویری از یک ابرقدرت در حال افول را ترسیم می‌کند که در لبه تاریخ در حال تلو تلو خوردن است.

منسوخ شدن فناوری و انقلاب پهپادها

یکی از برجسته‌ترین شاخص‌های افول آمریکا، عقب‌ماندگی آن در سازگاری با تغییرات فناوری است که جنگ مدرن را بازتعریف می‌کند. ظهور پهپادها و موشک‌های دقیق، سلطه سنتی پلتفرم‌های گران‌قیمت و پیشرفته مانند جت‌های جنگنده را مختل کرده است. مقاله‌ای در MIT Technology Review در سال ۲۰۲۵ به پیشرفت‌های چین در فناوری دسته‌های پهپادی اشاره دارد، جایی که واحدهای ارزان‌قیمت هماهنگ‌شده با هوش مصنوعی، برنامه پرهزینه F-35 آمریکا را که هر واحد آن حدود ۸۰ میلیون دلار قیمت دارد، پشت سر می‌گذارند. در همین حال، پهپاد HESA Shahed 136 ایران، یک مهمات پرتابه با هزینه ۲۰,۰۰۰ دلار، اثربخشی خود را علیه نیروهای آمریکایی و متحدان در دریای سرخ نشان داده است، همان‌طور که در گزارش خدمات تحقیقات تسلیحاتی سال ۲۰۲۳ مستند شده است. حمله پهپادی ژانویه ۲۰۲۴ در اردن، که سه سرباز آمریکایی را کشت، آسیب‌پذیری‌های سیستم‌های دفاع هوایی مانند پاتریوت را آشکار کرد که در برابر تهدیدات ارزان‌قیمت و پرحجم غرق شده بودند.

این شکاف فناوری، یک خطای استراتژیک عمیق‌تر را منعکس می‌کند. تمرکز وزارت دفاع آمریکا بر سیستم‌های قدیمی، که با تأخیر در برنامه تسلط هوایی نسل بعدی تشدید شده، باعث شده تا از تولید پهپادهای صنعتی چین عقب بماند. مقاله PBS News در سال ۲۰۲۴ درباره رقابت تسلیحاتی آمریکا و چین، این تغییر را برجسته می‌کند و اشاره دارد که پنتاگون در تلاش است تا پهپادهای ارزان‌قیمتی برای مقابله با جاه‌طلبی‌های سرزمینی پکن توسعه دهد. با این حال، اینرسی بوروکراتیک و کاهش بودجه نشان می‌دهد که آمریکا دیگر در منحنی نوآوری پیشرو نیست - ویژگی‌ای که نشانه جایگاه ابرقدرتی آن در گذشته بود.

عقب‌نشینی ژئوپلیتیکی و چالش‌های نامتقارن

ناکامی‌های ژئوپلیتیکی، سلطه آمریکا را بیشتر تضعیف می‌کنند. بحران دریای سرخ، جایی که حملات پهپادی حوثی‌ها در اوایل سال ۲۰۲۵ باعث عقب‌نشینی موقت ناوهای هواپیمابر آمریکایی مانند USS Dwight D. Eisenhower شد، این آسیب‌پذیری را نشان می‌دهد. با وجود حملات تلافی‌جویانه، زرادخانه مورد حمایت ایران حوثی‌ها - شامل پهپادهای صمد-۳ و وعید با برد تا ۲۵۰۰ کیلومتر - فشار را حفظ کرده و محدودیت‌های برتری دریایی آمریکا در مناطق مورد مناقشه را برجسته کرده است. این عقب‌نشینی، هرچند تاکتیکی، به دشمنان نشان می‌دهد که جنگ نامتقارن می‌تواند مزایای سنتی آمریکا را خنثی کند.

بستن احتمالی تنگه هرمز توسط ایران، تهدیدی حتی جدی‌تر است. این تنگه ۲۰ درصد از نفت جهانی را مدیریت می‌کند و محاصره آن می‌تواند قیمت نفت را ۲۰ درصد افزایش دهد، همان‌طور که آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است. هشدار مارکو رובیو، وزیر امور خارجه آمریکا، در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ در فاکس نیوز مبنی بر اینکه این اقدام برای ایران «خودکشی اقتصادی» خواهد بود، آسیب‌پذیری متقابل را برجسته می‌کند، اما افزایش صادرات نفت ایران به چین نشان می‌دهد که اهرم فشاری دارد. آمریکا، که با وجود وارد کردن تنها ۷ درصد از نفت خود از خلیج، به ثبات اقتصادی جهانی وابسته است، با یک معضل روبروست: تلافی و ریسک تشدید، یا تسلیم و از دست دادن نفوذ. این بن‌بست، ابرقدرتی را نشان می‌دهد که دیگر نمی‌تواند شرایط را دیکته کند.

فشار اقتصادی و زوال داخلی

از نظر اقتصادی، آمریکا زیر بار تعهدات جهانی خود در حال خم شدن است. ۱.۲ میلیارد دلاری که در سال ۲۰۲۴ برای دفاع از حمل‌ونقل دریای سرخ هزینه شد، هزینه‌های ناپایدار حفظ سلطه در خارج را نشان می‌دهد، به‌ویژه در حالی که زیرساخت‌های داخلی در حال فروپاشی است. گزارش بنیاد هریتیج در سال ۲۰۲۵ درباره کاهش قدرت نظامی آمریکا، این موضوع را به فروپاشی گسترده‌تر خودگردانی مرتبط می‌کند و استدلال می‌کند که یک دهه غفلت، ارتش را ضعیف‌تر از هر زمان دیگری در ده سال گذشته کرده است. شاخص آسیب‌پذیری اقلیمی همچنین نشان می‌دهد که چگونه نابرابری‌های موجود - که با تغییرات اقلیمی تشدید شده‌اند - تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی را تحت فشار قرار داده و منابع را از پیش‌بینی جهانی به بحران‌های داخلی منحرف می‌کنند.

در داخل، قطبی‌سازی سیاسی و جمعیتی بی‌تفاوت، این افول را تقویت می‌کنند. بنیاد هریتیج اشاره می‌کند که نخبگان «نسل کاملی از پسران را رها کرده‌اند»، که تمایل به خدمت را کاهش داده است، در حالی که مقاله گاردین در سال ۲۰۲۵ درباره ظهور و سقوط امپراتوری‌ها، شباهت‌هایی با الگوهای تاریخی زوال اجتماعی ترسیم می‌کند. با قیمت‌های مصرف‌کننده که در برابر افزایش احتمالی ۰.۵۰ دلار در هر گالن بنزین به دلیل اختلالات در تنگه هرمز آسیب‌پذیر هستند، نارضایتی اقتصادی ممکن است به تغییر رژیم منجر شود.

ظهور رقبا و جهانی چندقطبی

در حالی که آمریکا در حال تزلزل است، رقبا در حال صعود هستند. دسته‌های پهلادی چین و ابتکارات همکاری فضایی، آن را به‌عنوان رهبر فناوری و دیپلماتیک معرفی می‌کنند، در حالی که روابط اقتصادی‌اش با ایران، استراتژی آمریکا را پیچیده می‌کند. تمرینات مشترک پهلادی روسیه با چین، چالشی هماهنگ را نشان می‌دهد. کنفرانس سازمان ملل در سال ۲۰۲۵ درباره فعالیت‌های پایدار قمری، تأکید می‌کند که چگونه فضا - حوزه‌ای که زمانی تحت سلطه رقابت آمریکا و شوروی بود - اکنون چندجانبه‌گرایی را تقویت می‌کند و استثنایی‌گرایی آمریکا را کم‌رنگ می‌کند.

این تغییر چندقطبی با چرخه‌های تاریخی هم‌راستا است. تحلیل گاردین از ظهور و سقوط امپراتوری‌ها، درگیری‌های جهانی کنونی را به‌عنوان شواهدی از یک الگو ذکر می‌کند، با آمریکا که علائم بیش‌گستری و زوال داخلی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

ایالات متحده دیگر ابرقدرت تک‌قطبی‌ای که زمانی بود نیست، برتری فناوری‌اش کُند شده، دسترسی ژئوپلیتیکی‌اش محدود شده و ثبات اقتصادی‌اش با فشارهای داخلی و خارجی تهدید می‌شود. ظهور جهانی چندقطبی، به رهبری چین و دیگران،

پایان یک دوره را نشان می‌دهد. همان‌طور که پرنسس ایرولان در «تل‌ماسه» فرانک هربرت هشدار می‌دهد: «اگر تاریخ چیزی به ما می‌آموزد، صرفاً این است: هر انقلابی در خود بذره‌ای نابودی خود را حمل می‌کند. و امپراتوری‌هایی که برمی‌خیزند، روزی فرو خواهند افتاد.» برای آمریکا، آن روز شاید فرا رسیده باشد، سقوطش گواهی بر ماهیت چرخه‌ای قدرت است.